

From Economic decoupling to Further Connection: An Analysis of the Future of the US Trade War with China

Nozar Shafiee

Associate Professor, Department of International Relations, University of Isfahan,
Isfahan, Iran., shafiee@ase.ui.ac.ir

Abstract

Today, the US-China trade war is one of the major challenges in international relations. Academic circles have analyzed this war from different perspective. This article also seeks to answer this question that what kind of fundamental economic response from China will the US trade war against China eventually lead to? The hypothesis of the article, which is examined in a descriptive-analytical way, is that China's involvement in the US trade war will be a function of China's perception of US goals. If the US trade war against China in Beijing is seen as the result of an inherent rivalry between the United States and China for hegemony, China may move toward economic decoupling from the United States. Inherent rivalry refers to the competition that occurs due to the nature of power between two great powers to gain a hegemonic position. But if in Beijing the US trade war against China is seen as the result of an institutional conflict in the political and economic system of China and the United States, China's response is likely to be in the form of economic reforms and a move toward "greater economic ties" with the United States. The article's findings show that China is regarding both considerations as part of a larger strategy, and from this perspective it doesn't matter to Beijing whether Biden is in power or Trump.

Keywords: Offensive Realism, The 'Further Links' School, Economic decoupling School, Market Reform School.

از جدایی اقتصادی تا پیوند بیشتر: تحلیلی بر آینده جنگ تجاری امریکا علیه چین

نوذر شفیع

دانشیار گروه روابط بین الملل، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

n.shafiee@ase.ui.ac.ir

چکیده

امروزه جنگ تجاری امریکا و چین یکی از عمده ترین چالش ها در عرصه روابط بین الملل است. محافل آکادمیک از زوایای گوناگونی به تجزیه و تحلیل این جنگ پرداخته اند. این مقاله نیز در پی پاسخ به این پرسش است که جنگ تجاری امریکا علیه چین سرانجام موجب شکل گیری چه نوع واکنش اقتصادی بنیادینی از سوی چین خواهد شد؟ فرضیه مقاله که به روش توصیفی تحلیلی بررسی شده آن است که واکنش چین به جنگ تجاری امریکا تابع ادراک چین از اهداف امریکا است. اگر در پکن جنگ تجاری امریکا علیه چین ناشی از رقابت ذاتی این کشور و چین برای کسب موقعیت هژمونی تلقی شود ممکن است چین به سمت "جدایی اقتصادی" با امریکا حرکت کند. منظور از رقابت ذاتی، رقابتی است که به اقتضای ذات قدرت، بین دو قدرت بزرگ برای کسب موقعیت هژمونی اتفاق می افتد. اما اگر در پکن جنگ تجاری امریکا علیه چین ناشی از تعارض نهادی در نظام سیاسی و اقتصادی چین و ایالات متحده تلقی گردد، واکنش چین احتمالاً در شکل انجام اصلاحات اقتصادی و حرکت به سمت "پیوند اقتصادی بیشتر" با امریکا خواهد بود. یافته های مقاله نشان می دهد که چین در چارچوب یک استراتژی بزرگ هر دو ملاحظه را مد نظر دارد و از این منظر برای پکن فرقی نخواهد داشت که بایدن در قدرت باشد یا ترامپ.

کلید واژه: رئالیسم تهاجمی، مکتب پیوند بیشتر، مکتب جدایی اقتصادی، مکتب اصلاح بازار، رقابت استراتژیک چین و امریکا

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۳ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۱/۰۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۷

مقدمه

ایالات متحده به ترتیب در تاریخ ۶ ژوئیه و ۲۳ آگوست ۲۰۱۸ تعرفه هایی به ارزش ۳۴ میلیارد دلار و ۱۶ میلیارد دلار بر کالاهای چینی وضع کرد. در ۱۸ سپتامبر نیز تعرفه ۱۰ درصدی به ارزش ۲۰۰ میلیارد دلار تعیین نمود (Swanson, ۲۰۱۹). اینها بعنوان اعلام "جنگ تعرفه ای" گسترده ایالات متحده علیه چین تفسیر شد. دولت ترامپ همچنین با حمله به دو شرکت تجهیزات مخابراتی چینی ZTE و هواوی، "جنگ فناوری" چین و آمریکا را فعال کرد. این دو جنگ (جنگ تعرفه ای و جنگ فناوری) اساس جنگ تجاری چین و آمریکا را تشکیل می دهند.

این جنگ در دوره زمامداری جو بایدن نه تنها تخفیف نیافته بلکه تشدید نیز شده است. زمانی که جو بایدن برای انتخابات نامزد شد، تعرفه های سنگینی را که دونالد ترامپ، رئیس جمهور وقت آمریکا بر واردات کالاهای چینی وضع کرده بود، به ضرر مصرف کنندگان، کشاورزان و تولیدکنندگان آمریکایی توصیف کرد. اکنون با گذشت یک سال از حضور وی در کاخ سفید، هیچ نشانه ای مبنی بر اینکه بایدن در پی برداشته شدن تعرفه های ترامپ باشد، وجود ندارد. حتی او به پیش قراول فشار علیه چین تبدیل شده و نه تنها نسبت به نگرانی آن دسته از آمریکایی هایی که در

نتیجه و وضع تعرفه بر چین زیان دیده اند واکنش مناسبی نشان نداده بلکه در خلال اجلاس گروه ۷ که در خردادماه ۱۴۰۰ در انگلیس برگزار شد، همتایان اروپایی خود را تحت فشار قرار داد تا موضع سخت تری در قبال چین اتخاذ کنند.

این مهم نشان می دهد که سر سخت بودن در قبال چین یک موضع پذیرفته شده در هر دو حزب امریکا علیه چین است. نه تنها رویه مشترک ترامپ و بایدن در مقابل چین بلکه تصمیم سنا در اوایل سال ۲۰۲۱ در تصویب لایحه ای که ۲۵۰ میلیارد دلار در علم و فناوری را با هدف تقویت رقابت امریکا در مقابل چین تصویب کرد، یک لحظه نادر از همکاری دو حزب علیه چین را نشان داد. اتفاق نظر در امریکا علیه چین از احزاب سیاسی فرا تر رفته و افکار عمومی را نیز در بر گرفته است. براساس نظر سنجی مرکز تحقیقات پیو^۱ سه چهارم مردم امریکا دارای نگرش منفی نسبت به چین هستند (khalid, 2021).

سوال این است که واکنش بنیادی احتمالی چین "تحت رهبری شی جین پینگ اقتدارگرا و قاطع" در مقابل امریکا چه خواهد بود؟ بنظر می رسد واکنش چین تابع ادراک این کشور از ماهیت جنگ تجاری امریکا علیه چین است. در مجموع در چین دو برداشت از ماهیت جنگ تجاری امریکا علیه این کشور وجود دارد: عده آن را ناشی از رقابت ساختاری میان ایالات متحده و چین می دانند. طبق این رویکرد امریکا سعی دارد از طریق جنگ تجاری علیه چین مانع از قدرتمند شدن و در نتیجه تبدیل شدن چین به یک قدرت هژمون شود. از دید این رویکرد، این روند اجتناب ناپذیر است و هر کس در امریکا قدرت را به دست گیرد (چه دموکرات باشد و چه جمهوری خواه) تغییری در این روند بوجود نمی آید. شاید به همین دلیل باشد که چین جزو آخرین کشورهایی بود که پیروزی بایدن را تبریک گفت؛ چرا که بنظر می رسد برای چین بین بایدن و ترامپ فرقی وجود ندارد.

در چین کسانی که به این دیدگاه اعتقاد دارند (در ادامه به تفصیل در باره آنها گفته خواهد شد) حول تفکراتی به نام "مکتب سیستم کل ملت"^۲ و "مکتب جدایی اقتصادی"^۳ گرد آمده اند و معتقدند در چنین شرایطی چین باید قاطعانه به امریکا پاسخ دهد. حتی پیروان "مکتب جدایی اقتصادی" معتقدند چین باید به سمت جدایی اقتصادی با امریکا حرکت کند. عده ای دیگر جنگ تجاری چین و امریکا را

1 Pew Research Center

2 Whole nation system school

3 Economic decoupling School

ناشی از تضاد سیستمی میان نظام سیاسی و اقتصادی این دو کشور می‌دانند. تعارض‌های ایدئولوژیک به همراه نوع خاص نظام سیاسی و اقتصادی چین (سرمایه داری دولتی) هسته اصلی این دیدگاه را تشکیل می‌دهند. در چین کسانی که به این دیدگاه معتقدند تو صیه نمی‌کنند چین با امریکا وارد جنگ تجاری شود. برعکس، آنها بر این باورند که انجام پاره‌ای اصلاحات در چین می‌تواند به کاهش جنگ تجاری کمک کند. چنین تفکری باعث شکل‌گیری دو مکتب به نام "مکتب اصلاح بازار" و مکتب "پیوندهای بیشتر" شده است. از دید این رویکرد انعطاف در بعضی مواضع اختلاف را بین امریکا و چین امکان‌پذیر است و به همین دلیل ممکن است با روی کار آمدن بایدن اندکی از شدت اختلافات چین و امریکا کاسته شود.

۱- چارچوب مفهومی: "تجدید نظرطلبی" و "ظهور"

در نظم بین‌المللی در حال تحول، کشورها اغلب به دو دسته تقسیم می‌شوند: طرفداران وضع موجود و تجدید نظرطلبان. تعریف قدرت طرفدار وضع موجود بسیار ساده است: آنها قدرت‌هایی هستند که در درجه اول نسبت به ویژگی‌های اساسی نظم و توزیع قدرت حاکم در جهان رضایت دارند (Schweller, 1994:85). این در حالی است که یک قدرت تجدیدنظرطلب قدرتی است که از نظم جهانی ناراضی است و می‌خواهد هنجارهای موجود را که توسط قدرت هژمون موجود ایجاد شده، نادیده گرفته و هنجارهای جدیدی جایگزین آن نماید. به زبان رندال شولر^۱ یک دولت تجدید نظرطلب می‌خواهد نظم موجود را تضعیف کند تا قدرت خود را در سیستم افزایش دهد (Banchoff, 1999:134-137). کشورهای تجدید نظر طلب به دو دسته قابل تقسیم هستند: تجدید نظر طلب انقلابی^۲ و تجدید نظر طلب تکاملی^۳. همانطور که از این دو اصطلاح بر می‌آید، تجدید نظر طلب انقلابی قدرت‌هایی هستند که قصد دارند از طریق اقدامات یا ابتکارات جدید با براندازی کامل، سیستم جهانی موجود را دگرگون کنند. معمولاً چنین دگرگونی‌هایی توأم با خشونت و جنگ است. بنابراین وقوع تغییر سریع یا ناگهانی در یک نظم یا سیستم بین‌المللی نشان‌دهنده حضور یک قدرت تجدید نظر طلب انقلابی است. این در حالی است که وقوع تغییر تدریجی در سیستم یا نظم بین‌المللی نشانگر ظهور یک قدرت تجدیدنظرطلب

1 Randall Schweller

2 Revolutionary revisionist power

3 Evolutionary revisionist power

تکاملی است. در اصل، یک قدرت تجدید نظرطلب در هر شکل آن، با هدف تقویت قدرت، موقعیت، و اقتدار خود در فرایند تصمیم‌گیری جهانی، به دنبال ترمیم یا تغییر سیستم و نظم بین‌المللی است. یک قدرت تجدید نظر طلب انقلابی چنین تلاشی را از طریق لنزهای نظریه رئالیسم مشاهده می‌کند حال آنکه یک قدرت تجدیدنظرطلب تکاملی از مکتب ایده الیسم یا یک مسیر تدریجی گراپیروی می‌کند. قدرت اخیر برای تغییر سیستم و نظم بین‌المللی موجود لزوماً با قدرت‌های بزرگ طرفدار وضع موجود به مقابله برنمی‌خیزد (Xiao, 2015:2024).

محققانی مانند جان میرشایمر و سوئیشنگ ژائو معتقدند که قدرت‌های در حال ظهور مثل چین و هند با برخورداری از پتانسیل ظهور به عنوان قدرتهای بزرگ، سیستم و نظم بین‌المللی موجود را به چالش می‌کشند (Mearsheimer, 2019:82). از نظر شدت به چالش کشیدن سیستم و یا نظم بین‌المللی موجود، نقش چین قابل توجه تر از قدرت‌های دیگر است (Zhao, 2018:649). دلایل مختلفی برای این ادعا وجود دارد اما ابتکار کمربند-جاده بعنوان بزرگترین پروژه در سطح جهان خود به تنهایی برای اثبات این ادعا کفایت می‌کند. ایجاد مؤسسات بین‌المللی یا انجمن‌هایی که ظاهراً با منافع ملی چین در ارتباط هستند مثل بانک سرمایه‌گذاری زیر ساخت آسیا نیز از عوامل مهم هستند (Panda, 2019:134-137).

امروزه در اینکه امریکا و چین به دو قدرت رقیب تبدیل شده‌اند که یکی طرفدار حفظ وضع موجود است و دیگری تجدید نظر طلب است تردیدی وجود ندارد اما در اینکه چین بعنوان قدرت تجدید نظر طلب، در زمره کدام نوع از قدرت تجدید نظر طلب (انقلابی یا تکاملی) قرار دارد و امریکا نیز توانمندی رو به افزایش چین را چگونه تفسیر می‌کند، اختلاف نظر وجود دارد. جنگ تجاری امریکا علیه چین می‌تواند تا حدی به این ابهام پاسخ دهد. جنگ تجاری یکی از گزینه‌های میانی بین "برخورد نظامی" و "شیوه مسالمت‌آمیز حل اختلاف" میان قدرت طرفدار وضع موجود و تجدید نظر طلب است. این بدان معنا است که ادراک چین و امریکا از یکدیگر هنوز در میانه راه قرار دارد؛ یعنی آنها یکدیگر را نه یک "دوست خوب" و نه یک "دشمن بد" قلمداد می‌کنند. اما اگر بازی رقابت‌آمیز آنها ادامه یابد و حالتی استراتژیک به خود گیرد شاید با شرایط جدیدی مواجه شویم. اگر ادراک امریکا بر این قرار گیرد که چین یک تجدید نظرطلب انقلابی است احتمالاً برخورد امریکا با چین فراتر از

1 Gradualist path

2 Suisheng Zhao

جنگ تجاری حرکت خواهد کرد. از سوی دیگر اگر چین جنگ تجاری ایالات متحده را فراتر از یک مناقشه ژئو-اقتصادی بداند، احتمالاً واکنش چین نیز به آن جنگ متفاوت خواهد بود. در ادامه مقاله، با تمرکز بر ادراک و برداشت چین از جنگ تجاری امریکا علیه این کشور، واکنش اقتصادی بنیادی احتمالی چین را بررسی خواهیم کرد.

۲- ادراک چین از جنگ تجاری امریکا

مطالعه رفتار دولت چین و نیز بررسی دیدگاه اندیشمندان روابط بین الملل این کشور نشان می دهد که در چین در خصوص جنگ تجاری امریکا دو رویکرد عمده وجود دارد: رویکرد ساختارگرا و رویکرد نهادگرا.

۲-۱- رویکرد ساختارگرا

در این رویکرد جنگ تجاری امریکا علیه چین عمیق تر از یک اختلاف تجاری ساده است. از منظر این رویکرد ریشه اصلی جنگ تجاری امریکا علیه چین ماهیت سیاسی دارد. بدین معنی که شکاف قدرت روز به روز بین چین و امریکا کمتر می شود و ایالات متحده تصور می کند که در آینده نزدیک چین موقعیت هژمونیک امریکا را به چالش می کشد. از این منظر جنگ تجاری امریکا علیه چین با هدف کند نمودن رشد اقتصادی چین بعنوان موتور محرکه قدرت سیاسی و نظامی چین صورت می گیرد. این موضوع از آن نظر حایز اهمیت است که چین خود را نه یک دموکراسی بلکه یک "متریتوکراسی" کارآمد قلمداد می کند و کاهش نرخ رشد اقتصادی و یا وقوع هرگونه بحران اقتصادی جدی، مشروعیت نظام حاکم را زیر سوال می برد و می تواند به بحران مشروعیت منتهی شود. این برداشت بویژه هنگامی تقویت شد که در آوریل ۲۰۱۸ امریکا شرکت تجهیزات ارتباطات چین (ZTE) یعنی غول مخابرات چین را از تهیه فناوری های حساس از فروشندگان امریکایی منع کرد. بعلاوه در ماه مه همان سال، ایالات متحده خواستار توقف پروژه "ساخت چین ۲۰۲۵" شد. این دو رخداد بعضی از دانشگاهیان چینی را متقاعد کرد که قصد امریکا از جنگ تجاری با چین جلوگیری از به چالش کشیده شدن هژمونی امریکا توسط چین از طریق جلوگیری از تلاش چین برای دستیابی به بخش های پیشرفته در صنعت است. در چین معروف ترین کسانی

که علت اصلی جنگ تجاری چین و آمریکا را در نگرانی های عمیق استراتژیک آمریکا درباره "تغییر قدرت" بین دو قدرت بزرگ می دانند عبارتند از: یان زوتونگ^۱، جین کانرونک^۲، جو جیان دونگ^۳ و ژانگ یوون^۴.

یان زوتونگ بر این باور است که واقعیت و عمق رابطه دو کشور چین و آمریکا مبتنی بر "رقابت استراتژیک" است که در نهایت ممکن است به درگیری نظامی و یا در اصطلاح به دام توسعیدید منجر شود. منظور از دام توسعیدید احتمال بروز درگیری نظامی بین دو قدرت هژمون و نوظهور است. این درگیری بازی با حاصل جمع صفر است (Jian, 2018). از دید یان "در شرایطی که چین سریعاً شکاف قدرت ملی با آمریکا را می بندد، درگیری های ساختاری بین چین و ایالات متحده به طور فزاینده ای حاد می شود" (Yan, 2018)

جین کانرونک نیز با یان هم عقیده است. او در سال ۲۰۱۵، ضمن اشاره به تلاش های چین برای ایجاد نوع جدیدی از روابط با قدرت های بزرگ و بطور مشخص ایالات متحده، اظهار داشت که در بلند مدت، روابط چین و آمریکا با چالش های مهمی روبرو خواهد شد؛ چراکه آمریکا قدرت مستقر است و طرفدار حفظ وضع موجود می باشد و برعکس، چین قدرت در حال ظهور است و در پی به چالش کشاندن وضع موجود است. از دید کانرونک روابط چین و آمریکا در واقع در "دام توسعیدید" و حتی فراتر از آن فرو رفته چراکه به غیر از درگیری های ژئوپلیتیک و اقتصادی، درگیری ایدئولوژیک نیز بین آنها وجود دارد (Conrong, 2015).

جو جیان دونگ نیز معتقد است "ملاحظات بلند مدت و استراتژیک در مورد جنگ تجاری آمریکا علیه چین وجود دارد. هدف نهایی آمریکا دفاع از برتری جهانی فناوری آمریکایی است. این کار با عقب نگه داشتن یا حتی ناامید کردن چین از توسعه سریع صنعت پیشرفته خود انجام می گیرد و بدین ترتیب رهبری ایالات متحده و موقعیت غالب آن در اقتصاد جهانی حفظ می شود (Ju, 2018:8). ژانگ یوون، اقتصاددان آکادمی علوم اجتماعی شانگهای، حتی با صراحت بیشتری اظهار داشته است که "رقابت تجاری فعلی چین و آمریکا مربوط به رقابت آنها در بازار نیست بلکه به رقابت آنها در حوزه های استراتژیک مربوط می شود" (Youwen, 2018:8-10).

1 Yan xuetong

2 Jin conrong

3 Ju jiangong

4 Zhang youwen

۲-۲- واکنش ساختارگرا

رویکرد ساختارگرا، متناسب با تحلیل ساختارگرایانه از جنگ تجاری امریکا علیه چین، راهکارهای ساختارگرایانه ای را نیز به سیاستمداران چینی ارائه می نمایند که ماحصل دیدگاه آنها در قالب دو مکتب فکری قابل توضیح است: مکتب سیستم کل ملت و مکتب جدایی اقتصادی.

۲-۲-۱- مکتب سیستم کل ملت

این مکتب دارای گرایش های تندروانه ناسیونالیستی است و به تعارض ساختاری میان امریکا و چین اعتقاد دارد. برای این مکتب، سیستم کل ملت بدان معنی است که درحوزه تولید و صیانت از فناوری های مهم و پیشرفته باید دولت و نه بازار آزاد نقش اصلی را داشته باشد. این مکتب بر اهمیت توانایی های دولت، به ویژه مزیت بی نظیر دولت در بسیج و هدایت منابع ملی تأکید می کند. این مکتب بر آن است که چین باید در پی اتخاذ استراتژی "نواوری مستقل" با شد. کنگ دان اظهار می دارد که تاکنون سیستم کل ملت دو بار از خود در مقابل حوادث واکنش مناسب نشان داده است:

- طی ۴۰ سال اول انقلاب کمونیستی چین، دولت نظام اقتصاد برنامه ریزی را اعمال کرد و همه ملت در کنار آن قرار گرفتند و فشارهای خارجی را ناکام گذاشتند.
- پس از سیاست گشایش بازار نیز که اقتصاد کشور با تلاطم هایی نظیر بحران مالی ۱۹۹۷ آسیا و بحران مالی جهانی در سال ۲۰۰۸ مواجه شد، دولت و ملت در کنار یکدیگر قرار گرفتند و آنها را از سر گذراندند.
- اکنون و در مقابل جنگ تجاری امریکا علیه چین باید نسخه سوم همان مقاومت ها اعمال گردد (Dan, 2018).

از دید مکتب سیستم کل ملت، حادثه ZTE، ضعف چین را در فناوری پیشرفته نشان داد و حادثه متعاقب آن یعنی هواوی باعث شد چین از امنیت فنی خود مضطرب شود. بنابراین مکتب سیستم کل ملت بر رفع سریع کاستی های فناوری پیشرفته در چین و برطرف کردن «تنگناهای» فناوری تأکید دارد. از این منظر آنها اعتقاد دارند که چین باید تحقیقات و توسعه فناوری مستقل خود را تقویت کند و از صنایع و فناوری های کلیدی خود پشتیبانی نماید. محققان این مکتب همچنین استدلال می کنند که جنگ فناوری چین و امریکا در واقع فرصتی را برای چین برای

ارتقاء فناوری خود فراهم می کند. بنابراین، چین نباید تحت فشار امریکا "پروژه ساخت چین ۲۰۲۵" را رها کند بلکه بر عکس باید از طریق نوآوری مستقل، فناوری پیشرفته خود را تقویت نماید (Jie, 2018: 51-52).

لو فنگ، اقتصاددان سیاسی در دانشگاه پکن نیز که تمرکز آن مطالعه سیاست های صنعتی چین است، در مقاله خود تحت عنوان "به سوی نوآوری مستقل - به دنبال منبع قدرت چین" ضمن تأکید بر این نکته که نوآوری مستقل در مقابل نوآوری بازار قرار دارد معتقد است یک کشور نباید به خرید توانایی های فناوری خود از طریق بازار اعتماد کند بلکه در حوزه فناوری های پیشرفته همواره باید مستقل باشد (Lu, 2019). لو فونگ در تأیید دیدگاه خود به نظریه الکساندر گرشنکرون، اقتصاددان سیاسی مشهور جهان استناد می کند که معتقد است: در هنگام رقابت شدید بین المللی کشورها تمایل دارند از قدرت دولت و منابع دولتی بیش از بازار به منظور دستیابی سریع به توسعه اتکا کند (Gerschenkron, 1962).

۲-۲-۲- مکتب جدایی اقتصادی

مکتب جدایی اقتصادی طیف رادیکال تر مکتب سیستم کل ملت است و به دو بخش تقسیم می شود: تجزیه تجاری و تجزیه فناوری. اولی به کاهش حجم واردات و صادرات بین هر دو کشور و کاهش تدریجی وابستگی به بازار یکدیگر اشاره دارد. پیروان مکتب جدایی اقتصادی معتقدند چین باید با گسترش بازار داخلی خود (که در سال ۲۰۲۰ به یک بعد مهم از استراتژی چرخه دوگانه چین تبدیل شد)، برای کوچکتر شدن حجم تجارت با ایالات متحده آماده شود. چین تقریباً ۱,۴ میلیارد نفر جمعیت دارد و طبقات متوسط این کشور دائماً در حال گسترش است بنابراین بررسی کامل پتانسیل بازار داخلی به چین کمک می کند تا اقتصاد صادرات محور خود را به سمت رشد تقاضای اقتصاد محور سوق دهد. به عنوان مثال، جاستین ییفو لین اظهار داشت که در آینده رشد اقتصادی چین باید عمدتاً به تقاضای داخلی (سرمایه گذاری و مصرف) متکی باشد (Yifu Lin, 2019: 164). برخی دیگر از محققان نیز معتقدند که چین می تواند با تقویت همکاری با سایر اقتصادها از جمله اتحادیه اروپا و ژاپن (که رکن دوم استراتژی چرخه دوگانه چین را تشکیل می دهد) و به ویژه با تقویت همکاری های اقتصادی با کشورهای حوزه "کمربند و جاده"، تأثیرات کاهش حجم تجارت با امریکا را جبران کند (feng, 2019: 4).

تجزیه فناوری بعنوان وجه دیگر جدایی اقتصادی نیز به کاهش همکاری های تکنولوژیکی بین دو کشور و کاهش تولید محصولات تکنولوژیک مشترک اشاره دارد . مکتب "تجزیه فناوری" معتقد است که زنجیره تأمین تکنولوژی پیشرفته چین به امریکا وابسته است، به همین دلیل جنگ فناوری که ایالات متحده امریکا در پیش گرفته است تهدیدات بزرگی را برای چین ایجاد کرده است. در طولانی مدت، حتی اگر جنگ تجاری از طریق مذاکرات به پایان برسد، رقابت بین چین و امریکا در بخش فناوری پیشرفته شدیدتر هم می شود. در چنین شرایطی، چین باید با ترویج نوآوری مستقل، استقلال خود را در مورد فناوری سطح بالا تقویت کند. بعنوان مثال، لی کینگزی از دانشگاه رنین می گوید: "درس های مربوط به حادثه تراشه ZTE دردناک است. برای جلوگیری از فشار دوباره، چین باید سنت اعتماد به نفس را پیش بگیرد و وابستگی خارجی را کاهش دهد (Qingsi,2018:14).

از دید مکتب تجزیه فناوری، دستاورد تاریخی چین در مورد "تولید دو بمب هسته ای و ساخت یک ماهواره " که چین به تنهایی بخش عمده آنها را تولید کرد، شواهد بارز استدلال "تجزیه فناوری" است. از آنجا که چین می تواند چنین پیشرفت بزرگی را پشت درهای بسته انجام دهد، بنابراین می تواند تحقیقاتی انجام دهد که به نوآوری مستقل در پروژه هایی مانند هواپیماهای بزرگ و G ۵ برسد. این مکتب معتقد است که جدا شدن اقتصادی چین از ایالات متحده فرصتی مناسب برای پرورش یک زنجیره صنعتی سالم مستقل از ایالات متحده فراهم می کند.

مکتب جدایی اقتصادی به طور عمده روابط اقتصادی چین و امریکا را از منظر امنیت ملی تحلیل می کند و تأکید دارد که وابستگی متقابل بیشتر همیشه به خطرات امنیتی اقتصادی بیشتر منجر می شود. بنابراین، چین اگر به درستی از امریکا جدا شود و تا حدودی بازار صادرات چین برای کالاها و بازار واردات آن برای فناوری را متنوع کند، استقلال و امنیت اقتصادی چین قابل افزایش است. علاوه بر نگرانی های امنیتی، مکتب جدایی اقتصادی معتقد است که جنگ تجاری چین و امریکا تأثیر محدودی بر اقتصاد چین داشته است. در طول بحث در مورد جنگ تجاری، دولت چین سعی کرده است اعتماد به نفس را به افکار عمومی تزریق کند و تأثیر منفی جنگ تجاری بر اقتصاد چین را کمرنگ کند و آن را محدود و قابل کنترل جلوه دهد. یک دلیل عمده این است که با تسریع تحولات اقتصادی چین در سالهای اخیر، ظرفیت چین برای رشد اقتصادی مبتنی بر مصرف به طور قابل توجهی افزایش

یافته است و اکنون صادرات، کمتر به رشد اقتصادی چین کمک می کند (Jisi,2019:76-78).

در مجموع طرفداران مکتب جدایی اقتصادی معتقدند نیازی به نگرانی بیش از حد در مورد جداسدگی چین از اقتصاد ایالات متحده نیست و چین باید اقدامات موثری را برای کاهش وابستگی خود به تجارت با امریکا و همچنین فناوری و صنایع امریکا اتخاذ کند.

۳-۲- رویکرد نهادگرا

بر اساس این رویکرد آنچه مایه جنگ تجاری میان امریکا و چین شده است ریشه در نوع نظام سیاسی و اقتصادی دو کشور دارد. لی روگو معتقد است روند توسعه چین مطابق انتظارات ایالات متحده نیست و سیستم سیاسی و اقتصادی چین در حال پیشروی است. ایالات متحده معتقد است که اقتصاد بازار آزاد آن نمی تواند با "سرمایه داری دولتی" چین رقابت کند. به عقیده وی، جنگ تجاری چین و امریکا اساساً در مورد رقابت بین مدل های توسعه است (Jiping,2019).

کسانی که به رویکرد تضاد نهادی باور دارند به نگرانی های مشابه از سوی ژاپن و اتحادیه اروپا اشاره می کنند و می گویند اروپا و ژاپن هم مثل ایالات متحده از پرداخت یارانه به شرکتها، نادیده گرفتن مالکیت معنوی، و نحوه استفاده چین از سازمان تجارت جهانی در مقام یک کشور جهان سوم نگرانند و این نه بخاطر تعارض ساختاری بلکه بخاطر تعارض نهادی است. به عبارت دیگر نهادگرایان اعتقاد دارند ژاپن و اتحادیه اروپا منازعه ای از نوع ساختاری با چین ندارند پس چرا آنها هم نگران رفتار اقتصادی چین هستند؟ آنها اعتقاد دارند آنچه باعث جنگ تجاری امریکا علیه چین شده است ناشی از تعارض نهادی بین مدل توسعه چین و مدل توسعه ایالات متحده است (Rougu,2018:41).

بر این اساس آنها معتقدند که ایالات متحده، اصلاحات اقتصاد بازار چین را که آن را "سرمایه داری دولتی" می نامد، به رسمیت نمی شناسد اما چین همیشه معتقد بوده است که هردولت حق انتخاب مدل توسعه خود را دارد (Kong,2019). مدل فعلی اقتصاد چین در دهه ۱۹۷۰ تحت رهبری دنگ شیائوپینگ، یکی از برجسته ترین و قدرتمندترین رهبران این کشور طراحی گردید. در آن هنگام با یک سری اصلاحات اقتصادی و حتی سیاسی کشور چین از انزوای اقتصادی خارج شد. از آن پس رشد اقتصادی چین به طور متوسط در حدود ۷ درصد بوده است. متأثر از

آن، این کشور در سال ۲۰۱۰ از ژاپن پیشی گرفت و در جایگاه دومین اقتصاد جهان پس از امریکا ایستاد. برخی از اقتصاددانان پیش بینی کرده اند که اقتصاد چین تا سال ۲۰۳۰ از امریکا پیشی خواهد گرفت. امروزه چین دومین منبع بزرگ سرمایه گذاری مستقیم خارجی در خارج از کشور و دومین دریافت کننده سرمایه گذاری داخلی است. در بین ۱۸۶ کشور، چین بزرگترین مقصد صادراتی برای ۳۳ کشور و بزرگترین منبع واردات برای ۶۵ کشور است. گزارش مؤسسه جهانی مک کینزی نشان داد که بسته به تعامل چین با جهان در سالهای آینده، ارزش اقتصادی بین ۲۲ تا ۳۷ تریلیون دلار می تواند تا سال ۲۰۴۰ از اقتصاد جهانی اضافه یا کم شود. (Petras, 2019)

هماگونه که ملاحظه می شود قاعداً خروجی مدل توسعه چینی باید نگرانی هایی را برای امریکا به وجود آورد و به همین دلیل است که جیا چینگو، کارشناس روابط چین و امریکا در دانشگاه پکن، در سخنرانی خود در آگوست سال ۲۰۱۸ گفت یکی از دلایل عمده درگیری های اقتصادی چین و امریکا در واگرایی بین مدل توسعه چینی دولت - محور و امریکایی بازار- محور است (Qingguo, 2018:50). وانگ ژیونگ نیز معتقد است که اقتصاد غیر بازاری چین، دلیل اصلی تحریک ترامپ به درگیری های اقتصادی و تجاری با چین است. این بدان معناست که "دولت امریکا جنگ تجاری علیه چین را به یک دلیل عمیق آغاز کرد: فهم خود از سیستم چین؛ موانع پنهان در سیستم چین، ورود سرمایه های امریکا را از طریق مجاری عادلانه به بازار چین دشوار می کند. وانگ می گوید پس برای ادامه همکاری تجاری بین دو کشور یکی از این دو باید تغییر کند یا برداشت امریکا از سیستم اقتصادی چین و یا خود سیستم اقتصادی چین (Wang, 2018:54).

این رویکرد به تفاوت های ایدئولوژیک بین چین و ایالات متحده نیز اهمیت زیادی می دهد. دانشمندان چینی عموماً اعتراف می کنند که اختلافات اساسی بین نهادهای سیاسی و سیستم های ارزشی این دو کشور منبع مهمی از "تضادهای نهادی" است. امریکایی ها چین را به عنوان یک کشور اقتدارگرا تلقی می کنند و ادعا می کنند که ایدئولوژی نخبگان حاکم بر چین خلاف آرمان ها و ارزش های سیاسی امریکا است. افزایش قدرت چین، این اختلافات ایدئولوژیک را به طور چشمگیری عمیق تر کرده است (Jianhua, 2012:3942). از این منظر تحلیلگران چینی غالباً هنگام گفتگو در مورد روابط چین و امریکا از عبارت "ذهنیت جنگ سرد" استفاده می کنند که دارای بار ایدئولوژیک است. "ذهنیت جنگ سرد" به

معنی خصومت امریکا با سیستم سیاسی چین و آموزه ایدئولوژیک حزب کمونیست چین است. چنین نگرشی بیانگر شکل گیری موضع « نئو مک کارتیسم » در امریکا علیه چین است و از دید نظریه پردازان چینی یک روند واقعاً نگران کننده است که تأثیر منفی گسترده ای بر روابط ایالات متحده و چین می گذارد (Mei,2018:5-7).

۴-۲- واکنش نهادگرا

کسانیکه به تضاد نهادی بین چین و امریکا اعتقاد دارند و جنگ تجاری دو کشور را نمادی از این تضاد می بینند در قالب دو مکتب خواهان کاهش تعارضات و نزدیکی شدن بیشتر چین و امریکا هستند: مکتب اصلاح بازار و مکتب پیوند بیشتر.

۴-۲-۱ - مکتب اصلاح بازار^۱

تعداد زیادی از اقتصاددانان حامی اقتصاد بازار آزاد در اواخر سال ۲۰۱۸ با فرصتی که توسط بزرگداشت های چهلمین سالگرد اصلاحات اقتصادی چین فراهم شده بود، بسیج شدند. آنها شروع به شرکت در بحث و گفتگوهای گسترده درباره جنگ تجاری امریکا علیه چین کردند. بر خلاف رادیکال ها، این ها معتقد بودند اقدامات متقابل چین باعث نمی شود که امریکا جنگ تجاری را متوقف کند. از این رو راه حل های افراطی را که قبلاً تندروها از آنها حمایت کرده بودند (ساختارگرایان)، محکوم کردند. به عبارت دیگر مکتب اصلاح بازار از اصلاحات و گشایش بیشتر چین حمایت می کند و از آرمانگرایی در سیاست های اقتصادی و ملی گرایی در سیاست های خارجی آن گونه که ناسیونالیست های رادیکال می گویند انتقاد می کند.

از دید طرفداران مکتب اصلاح بازار، انجام پاره ای اصلاحات در چین می تواند به کاهش جنگ تجاری کمک کند. این اصلاحات عبارتند از: به حداقل رساندن واگرایی ایدئولوژیک بین چین و ایالات متحده، کاهش رقابت با امریکا در عرصه جهانی، ارتقاء اصلاحات بیشتر در بازار داخلی. این اندیشمندان در تأیید دیدگاه خود به روایات کلاسیک دنگ شیائوپینگ اشاره می کنند که گفته بود: "ما ضمن اینکه باید نگران انحراف های راست باشیم، اما بیش از همه باید نگران انحرافات چپ باشیم" (Kang,2018:51). هوانگ کیفان یکی از طرفداران مکتب اصلاح بازار در هنگام سخنرانی در دانشکده اقتصاد دانشگاه فودان در ۹ آوریل ۲۰۱۹ گفت: "چین

باید با پیشبرد سیاست درهای باز بر اساس تعرفه صفر، یارانه صفر، و موانع صفر، مرتبه خود را در تجارت جهانی ارتقا دهد" (Qifan2019). این سخنرانی توجه گسترده ای را به خود جلب کرد و به دیدگاه غالب در مکتب اصلاح بازار تبدیل شد. در کل، اصلاح طلبان بازار دو نسخه برای مقابله با جنگ تجاری چین و آمریکا ارائه دادند: تعمیق گشایش و تسریع اصلاحات بازار. در چارچوب این دو مؤلفه چین چند کار را باید انجام دهد: اول از همه، یکی از اولویت های مهم دولت چین رشد تقاضای داخلی از طریق تحریک تقاضای مصرف داخلی است. بنابراین، چین باید کاهش مالیات در مقیاس بزرگ را در دستور کار قرار دهد و در عین حال به جای گسترش آژانس های دولتی، بخش خصوصی را فعال کند. ثانیاً در مواجهه با تلاش های ایالات متحده برای منزوی کردن چین از اقتصاد، تجارت و علم و فناوری، چین باید با برقراری روابط نزدیک با شرکت ها در همه کشورها از جمله بنگاه های آمریکایی، با این تلاش ها مقابله کند. برای این منظور، چین باید سرعت گشایش درها بر خارج را شتاب بخشد (Yongzhon, 2019: 76-78). سوم اینکه چین باید اصلاح سیستم اقتصادی بازار را تسریع کند. به طور خاص، چین باید اصلاحات بنگاه های دولتی را که در سومین جلسه عمومی کمیته مرکزی هیجدهم حزب کمونیست چین مشخص شد، اجرا کند، نقش تعیین کننده بازار را در تخصیص منابع تقویت کند و بازده تخصیص منابع را بهبود بخشد. چهارم، چین برای مقابله با فشارهای ایالات متحده باید همکاری با اتحادیه اروپا و ژاپن را تقویت کند. بنابراین، پاسخگوئی سازنده به برخی از درخواست های اتحادیه اروپا و ژاپن از چین ضروری است.

حامیان اصلاحات بازار به شدت از مکتب بسیج سیستم کل ملت و نظریه نوآوری مستقل انتقاد می کنند و در این باره دو سؤال اساسی را مطرح می کنند: اول، چگونه می توان نقش دولت را در تحقیق و توسعه مشاهده کرد؟ و دوم آیا نوآوری مستقل بدان معنی است که چین باید پشت درهای بسته کار کند؟ یا اینکه چین فقط در یک فضای آزاد موفق است؟ با توجه به این دو سؤال مهم، بنیانگذار هواوی، رن ژنگفی، هنگامی که شرکت وی زیر آتش قرار گرفت، وارد کانون توجه رسانه ها شد و نظرات خود را ابراز کرد. وی گفت: هر پیشرفت فنی که هواوی به آن دست یافته بود مبتنی بر تقسیم کار بین المللی صنعتی است و هواوی تمام دستاوردهای فکری بشر را ترسیم می کند. رن به شدت به انجام تحقیقات فناوری در پشت درهای بسته

اعتراض داشت و گفت "من هرگز از" نوآوری مستقل "طرفداری نمی کنم (Zhengfei, 2019) .

۲-۴-۲- مکتب پیوند بیشتر^۱

استدلال جدایی طلبان اقتصادی از سوی کسانی که طرفدار پیوندهای بیشتر با اقتصاد ایالات متحده هستند، مورد انتقاد شدید قرار گرفته است. آنها اصرار دارند که در مواجهه با تلاش های جداسازی ایالات متحده، چین باید از طریق گشایش بیشتر، موانع واردات را کاهش و به ویژه برای بهبود فضای سرمایه گذاری، استراتژی پیوند دهنده یا استراتژی ضد جداسازی را اتخاذ کند. چنین تلاشهایی چین را قادر می سازد تا از شرکتهای امریکایی و جهانی که در نتیجه این گشایش نفع می برند، نیز بخواهد تا در برابر تلاش های جداسازی دولت ایالات متحده ایستادگی کنند (Zemin, 1992).

مکتب پیوند بیشتر، طبق آموزه سیاسی حزب کمونیست چین، توصیه می کند برای دستیابی به برنامه چین در حوزه اقتصادی و سیاسی، ساختن یک محیط صلح آمیز ضروری است (Zemin, 1992). از این منظر، روابط این کشور با دیگر قدرت های بزرگ "کلید اصلی" برای ایجاد محیط صلح آمیز تلقی می شود به ویژه، روابط چین با ایالات متحده، تنها قدرت فوق العاده در دوران پس از جنگ سرد، "اولویت در اولویت ها" است (Hong, 2011). بنابراین، چین به طور عمده روابط خود با ایالات متحده را باید ابزاری برای تحقق هدف بزرگ خود به ویژه تقویت نو سازی تلقی کند، زیرا چنین روابطی برای ایجاد یک محیط بین المللی صلح آمیز و تأمین منابع استراتژیک فراوان برای توسعه اقتصادی آن بسیار مهم است (Tong, 2009). همانطور که برخی از محققان چینی استدلال می کنند تا زمانی که ایالات متحده منافع اصلی چین را تضعیف نکند و به عنوان قدرت مسئول عمل کند، چین باید با "قدرت هژمونیک" زندگی کند و در واقع به نفع چین است که خود را در کنار ایالات متحده قرار دهد، در هدایت سیستم بین المللی امریکا را همراهی کرده و با جستجوی نفوذ فزاینده اقتصادی و سیاسی، پیشرفت صلح آمیز خود را در درون این سیستم دنبال کند (Jisi, 2005). به این ترتیب وجه اصلی استراتژی چین در قبال ایالات متحده باید ادغام خود در سیستم اقتصادی بین المللی به رهبری غرب برای پیگیری نوسازی

اقتصادی باشد. از دید مکتب پیوند بیشتر، پیوندهای اقتصادی و تجاری بین دو کشور هم هسته اصلی و هم تثبیت کننده روابط چین و آمریکا را تشکیل می دهد.

مکتب "پیوندهای بیشتر" عمدتاً از "دیدگاه مکتب جدایی اقتصادی" از چهار منظر انتقاد می کند: اول، جدا شدن چین از فناوری های ایالات متحده احتمالاً می تواند مبادلات اقتصادی و تکنولوژیکی چین با جهان خارج را کاهش دهد و پیشرفت فناوری و تحقیق و توسعه را نمی توان پشت درهای بسته به دست آورد. یائو یانگ، اقتصاددان مشهور در دانشگاه پکن، آشکارا با جدایی مخالف است. وی در سخنان خود خاطرنشان کرد: یک سیستم اقتصادی باز جهانی از طریق همکاری مشترک می تواند بهترین محیط را برای دستیابی چین به فناوری های پیشرفته فراهم کند این در حالی است چین باید برای نوآوری مستقل در پشت درهای بسته قیمت بالایی بپردازد. یائو حتی فکر می کند که بحث جدایی اقتصادی توسط گروه های ذی نفعی ساخته شده است که می خواهند پس از آنکه اقتصاد چین از ایالات متحده آمریکا جدا شد سودهای کلانی را به دست بیاورند. علاوه بر این، یائو به عنوان یک اقتصاددان بر این باور است که اگر چین مدعی رهبری جهانی به ویژه در حوزه اقتصاد است نباید فقط به توانمندی های صنعتی خود متکی باشد بلکه باید از ظرفیت های فناوری جهانی بهره جوید. با این کار چین به جهان نشان می دهد که چگونه ظهور چین به جهان اجازه می دهد فرصت های توسعه را به اشتراک بگذارد (Yang, 2019). وو جینگلیان نیز نمونه هایی از "دو بمب هسته ای و یک ماهواره" را که اغلب توسط مکاتب "جدائی فناوری" و "نوآوری مستقل" ذکر شده است، رد می کند. وی اظهار می دارد که علیرغم پیشرفت های فنی بومی بسیاری که در توسعه "دو بمب هسته ای و یک ماهواره" وجود دارد، دانشمندان و مهندسان چینی برای انجام آن کمک های قابل توجهی از طرف متخصصان اتحاد جماهیر شوروی دریافت کردند. علاوه بر این، بسیاری از متخصصان آن پروژه ها قبل از تأسیس جمهوری خلق چین، تحصیلات خود را (عمدتاً در رشته فیزیک انرژی) در خارج از کشور در ایالات متحده و فرانسه دنبال کرده بودند. بنابراین، "دو بمب هسته ای و یک ماهواره" همه محصولات تحقیق و توسعه مستقل چین نیستند (Jinglian, 2019).

دوم، مخالفان جدایی اقتصادی استدلال می کنند که نوآوری در فناوری صنعت نظامی منطق خاص خود را دارد و نمی توان به بهانه نوآوری در فناوری صنایع نظامی همان فورمول را در باره فناوری غیرنظامی هم اعمال کرد. صنعت نظامی نیازهای فنی نسبتاً واضحی دارد و به طور کلی محصولات نظامی نیازی به کسب سهم بازار از

طریق رقابت آزاد ندارند. علاوه بر این، صنایع نظامی معمولاً می‌توانند بدون در نظر گرفتن هزینه، منابع ملی را بدست آورند. این در حالی است که فناوری‌های غیرنظامی سه ویژگی مجزا دارند: رقابت بالا، مشتری مداری، و عدم اطمینان. تشویق «نوآوری مستقل» به هر قیمتی، حتی در شرایط جنگ تجاری یا کمبود منابع، نه ممکن و نه ضروری است. بجای آن، چین باید از مزایای منحصر به فرد خود بهره‌برد و منابع مختلفی را در فرآیند جهانی سازی فناوری کسب کند. در همین رابطه، زی فوزان، رئیس آکادمی علوم اجتماعی چین استدلال می‌کند که "بزرگترین نافع انقلاب صنعتی جدید باید که شوری باشد که بتواند ضمن تقسیم مزایای نوآوری با دیگران، عناصر فناوری جهانی را به روشی بازتر جمع کند. کشورهایی که قادر به ایجاد یک محیط نوآوری علمی باز هستند می‌توانند در انقلاب صنعتی جدید موقعیت سودمندتری را در سیستم صنعتی اشغال کنند (Fuzhan, 2019:7). به طور خلاصه، مخالفان مکتب جدا سازی معتقدند که هیچ کشوری نمی‌تواند بر تمام سیستمهای صنعتی امروزی و زنجیره‌های تأمین تسلط یابد. تحقیق و توسعه کاملاً مستقل در واقع گزاره‌ای نادرست است که خلاف منطق جهانی شدن است.

سوم، جدا شدن تجارت چین و آمریکا به نقل و انتقالات صنعتی منجر خواهد شد که رشد اقتصادی چین را در طولانی مدت تهدید می‌کند. ایالات متحده بزرگترین بازار واردات جهان است. اگر صادرات چین به ایالات متحده محدود شود، تعداد زیادی از صنایع که مقصد صادراتی آنها ایالات متحده است به ناچار جابجا می‌شوند. بنابراین، یو یونگدینگ تأکید می‌کند که اختلافات جاری چین و آمریکا بر اعتماد به نفس سرمایه‌گذاری شرکت‌ها تأثیر گذاشته است. به دلیل افزایش عدم اطمینان ناشی از جنگ تجاری، اکثر شرکت‌های آمریکایی در حال آماده شدن برای ترک چین هستند. یو همچنین خاطرنشان می‌کند که انتقال یک ظرفیت تولید به دور از چین ممکن است یک یا دو سال طول بکشد. بنابراین چین باید از این دوره استفاده کامل کند تا از قبل آماده شود و در مورد سیاست‌ها، دولت باید تلاش کند تا سرمایه‌گذاری‌های خارجی مخصوصاً سرمایه‌گذارهای آمریکایی‌ها را حفظ کند (Yongding, 2019).

لی روگو در پاسخ به این استدلال که چین می‌تواند از بازار داخلی خود برای مقابله با تلاش‌های جداسازی ایالات متحده استفاده کند، معتقد است که "چین هنوز قادر به ایجاد بازار جدیدی برای رقابت با آمریکا نیست" و اگر اقتصاد چین از ایالات متحده جدا شود، دستاوردهای چین که به دلیل سیاست اصلاحات و گشایش

در طی چهل سال گذشته حاصل شده از جمله تبدیل شدن به بزرگترین کشور بازرگانی، بزرگترین کشور تولید کننده، بزرگترین صادر کننده کالا و بزرگترین شریک تجاری بیش از ۱۷۰ کشور جهان، ممکن است دچار مشکل شود؛ زیرا "این بازار جهانی در ایالات متحده و غرب حاکم است و ما نه تنها با ایالات متحده بلکه با کل بازار غربی روبرو خواهیم شد" (Ruogu, 2018: 40-41).

چهارم، از آنجا که تجزیه اقتصادی بین چین و ایالات متحده ممکن است منافع مشترک آنها را بیشتر کاهش دهد، روابط سیاسی آنها نیز احتمالاً از بین می رود. چنین دیدگاهی توسط اکثر محققان روابط بین الملل مشترک است. به عنوان مثال، یوان پنگ خاطرنشان می کند که "دو اقتصاد به اتحادی متصل هستند که از نظر طبیعت سودمند و برنده هستند و این تجربه موفق روابط چین و آمریکا است" (Peng, 2018). نی فنگ، نظریه پرداز روابط بین الملل نیز استدلال می کند که اگرچه سنگ بنای اصلی در روابط اقتصادی و تجاری چین و آمریکا تضعیف شده است و جنگ تجاری همچنان رو به افزایش است، دو طرف هنوز فضای زیادی برای همکاری در زمینه هایی مانند انرژی و کشاورزی دارند. به گفته وی "چین برای ایجاد ثبات در روابط خود با ایالات متحده باید زمینه مشترکی پیدا کند" (Feng, 2019: 8). این دانشمندان روابط بین الملل معتقدند که علیرغم تضعیف نقش اقتصادی در روابط چین و آمریکا، چین نباید برای تسریع در تجزیه اقتصادی خود اقداماتی انجام دهد. اگر همکاری اقتصادی و مبادلات آنها کاهش یابد، روابط سیاسی آنها رو به وخامت می رود.

پیروان مکتب پیوند بیشتر همچنین معتقدند چین باید به پاره ای از نگرانی های آمریکا پاسخ مثبت دهد. روابط دو جانبه بین چین و ایالات متحده به دلایل زیر نامتقارن بوده است. اول، شکاف های اقتصادی و نظامی بزرگی بین دو کشور وجود دارد. به عنوان مثال، در سال ۱۹۹۳، تولید ناخالص داخلی ایالات متحده ۱۱ برابر چین بود و در سال ۲۰۱۸، پس از ۲۵ سال ابتکار، تولید ناخالص داخلی چین هنوز تنها ۷۶٪ تولید ناخالص داخلی ایالات متحده بود. (International Monetary Fund, 2019). اگر سیستم اتحاد آمریکا در شرق آسیا را در نظر بگیریم، شکاف قدرت بین چین و ایالات متحده حتی بیشتر شده است. حتی اگر کسی این داده ها را به عنوان شواهدی از حرکت چین به سمت برابری کل با ایالات متحده بخواند، "واقعیت های این دو عمیقاً نامتقارن است"، به ویژه در مورد ثروت و ظرفیت تکنولوژیکی که برانتهی ووماک آن را "برابری نامتقارن" می نامد (Womack, 2016: 1464). ثانیاً

چین نسبت به مسائل روابط دو جانبه از جمله مسائل مربوط به تایوان، دریای چین جنوبی، درگیری های تجاری، حقوق بشر و توسعه علم و فناوری آسیب پذیری بیشتری نسبت به همتای خود دارد. بنابراین برای حفظ روابط دوجانبه پایدار، چین باید ضمن دفاع از منافع خود، مرتباً به نگرانی ها و خواسته های ایالات متحده پاسخ منطقی دهد.

نتیجه گیری

به نظر می رسد برای تبیین جنگ تجاری چین و امریکا باید علاوه بر ملاحظات ساختاری و نهادی، دو مؤلفه دیگر را نیز در نظر گرفت: "رقابت اقتصادی" که اساساً ممکن است بین هر کشوری اتفاق افتد مثل آنچه در روابط امریکا و ژاپن یا امریکا و اروپا اتفاق می افتد و "اختلافات سیاسی داخلی" که باعث می شود رهبران یک کشور سیاست خاصی را در مقابل کشورهای دیگر اتخاذ کنند مثل سیاست ترامپ در مقابل برجام که اساساً در رقابت با اوباما صورت گرفته است. از این رو در نهایت همپوشانی این چهار چشم انداز (ساختارگرایی، نهادگرایی، رقابت اقتصادی، اختلافات سیاسی داخلی) است که می تواند تصویر عمیق تر و کلی تری از جنگ تجاری امریکا و چین را به نمایش بگذارد.

از این منظر استراتژی های ایالات متحده در قبال چین چهار وجه عمده دارد که از دوره ای به دوره ای دیگر تفاوت هایی را از منظر اجرا به خود دیده است: اولویت اول ادغام چین در سیستم اقتصادی جهانی، اولویت دوم تبدیل چین به یک لیبرال دموکراسی مطابق با منافع امریکا، اولویت سوم مشارکت دادن چین برای حل مشکلات منطقه ای و جهانی، اولویت چهارم جلوگیری از تبدیل شدن چین به تهدیدی برای هژمونی ایالات متحده. سیاست ترامپ در این حوزه ها تحکمی و تهاجمی بوده است ولی سیاست بایدن تا زمان نگارش این مقاله نشان می دهد اگرچه در هدف با ترامپ مشابه است اما در نحوه برخورد با چین اندکی منعطف به نظر می رسد.

در مقابل استراتژی چهارگانه ایالات متحده، بنظر می رسد یکن نیز مطابق با برداشت خود از اهداف امریکا، چهار استراتژی اصلی را در دستور کار قرار داده است: پیگیری نوسازی چین در پرتو رابطه با امریکا از طریق اتخاذ استراتژی پیوند بیشتر با امریکا، پاسخ به بعضی از خواسته های امریکا از طریق اتخاذ استراتژی اصلاح بازار، مقاومت در برابر ایالات متحده از طریق اتخاذ استراتژی سیستم کل ملت و جدایی

اقتصادی، اتخاذ استراتژی چرخه دوگانه. این چهار استراتژی از دوره ای به دوره دیگر اندکی تفاوت را شاهد بوده است ولی کاملاً تابع نوع رفتار ایالات متحده بوده است. از این رو به نظر می رسد متناسب با سیاست کاخ سفید، چین هم در مواضع اش تغییراتی را صورت دهد.

در کل با برر سی عملکرد چین در مقابل جنگ تجاری امریکا علیه این کشور، به نظر می رسد پکن تمایل دارد از یک سو از جدایی اقتصادی با امریکا پرهیز کند چرا که چهل سال ادغام اقتصادی چنان اقتصاد امریکا و چین را در هم تنیده است که جدایی آن هم دشوار و هم بسیار هزینه بردار است. از سوی دیگر با توجه به فشارهای گسترده امریکا، پکن در تلاش است با تسریع در تنوع بخشیدن به صادرات و سرمایه گذاری و تقویت قابلیت های مستقل نوآوری از وابستگی بیش از حد به امریکا در تولید فناوری های اصلی بکاهد. در آخرین جلسه کمیته مرکزی حزب کمونیست که در جولای ۲۰۲۰ برگزار شد، از این ابتکار به نام استراتژی "چرخه دوگانه" یاد شده است. چرخه اول یا موتور محرکه اول افزایش سهم مصرف داخلی، و خودکفایی و استقلال بیشتر در عرصه تکنولوژیک است و چرخه دوم جلب سرمایه گذاری خارجی است. این دو چرخه مبنای جدید الگوی توسعه چین و بنیاد چهاردهین برنامه توسعه اقتصادی این کشور را تشکیل می دهد.

با توجه به انتخا بات ۲۰۲۰ امریکا و پیروزی جو با یدن، هرچند با یدن هنوز استراتژی دقیقی در مورد چین اعلام نکرده، اما همه نشانه ها بیانگر آن است که او لحن سنجیده تری نسبت به تهدیدهای ترامپ در مورد چین اتخاذ کند و بر «رقابت استراتژیک» به جای «رویارویی صریح» تکیه کند. بایدن در دوران کارزار انتخاباتی قول داد یک کارزار بین المللی برای «فشار، منزوی کردن، و مجازات چین» را رهبری کند. کمپین وی همچنین اقدامات چین علیه مسلمانان در سین کیانگ را «نسل کشی» معرفی کرده است. با این حال او معتقد است در مورد موضوعاتی که با منافع امریکا همخوانی دارد مانند تغییرات آب و هوایی، منع گسترش سلاح های هسته ای و امنیت جهانی نیاز به همکاری با چین دارد.

فهرست منابع

- Allison ,Graham (2020)"Biden presidency will not be a third Obama term administration", <https://www.globaltimes.cn/content/1207739.shtml>
- Banchoff, Thomas(1999) "review of Deadly Imbalances: Tripolarity and Hitler's Strategy of World Conquest", by Randall L. Schweller, *German Politics & Society* 17, (2 (51)), accessed 2 January 2020, <https://www.jstor.org/stable/23737317>.
- Canrong, Jin and Xihui Sun(2019) 'Lixing kandai he yingdai zhongmei jingmao moca' ('Rational treatment and Response to China-US Economic and Trade Frictions'), *People's Daily*, 2 September, 2019, http://paper.people.com.cn/rmrb/html/2019-09/02/nw.D110000renmrb_20190902_1-08.htm;
- Canrong,Jin(2015) 'Zhongmei guanxi yi xianru "xiuxidide xianjing"' ('China and America Have Fallen into the Thucydides's Trap'), 27 February, 2015, <http://theory.rmlt.com.cn/2015/0227/373975.shtml>.
- China Daily(2020)Relations can be reset for the better: China Daily editorial,<https://www.chinadaily.com.cn/a/202011/08/WS5fa7d9d aa31024ad0ba83d0a.html>
- China Daily(2020)Relations can be reset for the better: China Daily editorial,<https://www.chinadaily.com.cn/a/202011/08/WS5fa7d9d aa31024ad0ba83d0a.html>.
- Dan ,Kong (2018), 'Zhongmei maoyi moca cuisheng juguo tizhi 3.0 ban' ('China-US Trade Frictions Gave Birth to the 3.0 Version of the State-Centred System'), 30 September, 2018, https://www.guancha.cn/KongDan/2018_09_30_473924_2.shtml.
- Feng, Ni(2019) 'Zhongmei guanxi 40 nian jiqi jingyan' ('40 Years of China-US Relations and Relevant Experience'), *Guoji luntan (International Forum)*, Vol. 21, No. 2 Feng, Zhu(2019) 'Maoyizhan, kejizhan yu zhongmei guanxi de "fanshi bianhua"' ("Paradigm Changes" in Trade War, Science and Technology War and China-US Relations'), *Yatai anquan yu haiyang yanjiu (Asia-Pacific Security and Maritime Affairs)*, Vol. 26, No. 4
- Feng, Zhu(2019) 'Maoyizhan, kejizhan yu zhongmei guanxi de "fanshi bianhua"' ("Paradigm Changes" in Trade War, Science and Technology War and China-US Relations'), *Yatai anquan yu haiyang yanjiu (Asia-Pacific Security and Maritime Affairs)*, Vol. 26, No. 4

- Feng,Lu(2019) *Zouxiang zizhu chuangxin: xunqiu zhongguo lilian de yuanquan (Towards Independent Innovation: Seeking the Source of China's Power)* (Beijing: Renmin University Press, 2019).
- Fuzhan,Xie (2019) 'Lun xin gongye geming jiasu tuozhan yu quanqiu zhili biange fangxiang' ('On the Acceleration of the New Industrial Revolution and the Direction of the Changes of Global Governance'), *Jingji yanjiu (Economic Research)*, No. 7 (2019), pp. 4-13.
- Highlights of Xi's Report to the 19th CPC National Congress (19 October, 2017). english.qstheory.cn/2017-10/19/c_1121824896.htm.
- Hobson,John(2004) *The Eastern Origins of Western Civilization* (Cambridge UK: Cambridge University Press 2004)
- Hong ,Zhang (2011), 'Zhongguo zouxiang "da waijiao"' ('China launched Great Diplomacy'), *Renmin ribao haiwaiban (People's Daily Overseas Edition)*, 8 February, 2011, http://article.people.com.cn/rmrhwb/html/2011-02/08/content_740513.htm?div=-1.
- <https://www.globalresearch.ca/china-rise-fall-and-re-emergence-as-a-global-power-2/29644>
- <https://www.pacforum.org/analysis/pacnet-79-does-india-perceive-china-revisionist-power>.
- International Monetary Fund(2019), *World Economic Outlook Database*, October 2019, <https://www.imf.org/external/pubs/ft/weo/2019/02/weodata/index.aspx>
- Jian,Xu(2018) 'Meiguo duihua zhengce tiaozheng yu zhongmei guanxi de sanda fengxian' ('Adjustments in America's China Policy and the Three Main Risks in Sino-U.S. Relations'), *Guoji wenti yanjiu (China International Studies)*, Vol. 186, No. 4 (2018), pp. 1-18;
- Jiandong, Ju(2018)'Zhongmei maoyi zhengduan 1-2-3-4-5' ('The '1-2-3-4-5' of Sino-US Trade Disputes'), *Caijing zhiku (Financial Minds)*, Vol. 3, No.1
- Jie,Kuang (2018) 'Zhongmei maoyizhan daobi woguo jiakuai keji chuangxin bufa' ('The China-US Trade War Forces China to Accelerate Scientific and Technological Innovation'), *Keji yu jinrong (Science, Technology and Finance)*, Vol. 7, No. 5 (2018), pp. 51-2.
- Jinglian , Wu(2019), Speech at the International Symposium on the 90th Anniversary of the Institute of Economics, Chinese Academy of Social Sciences and the High-level Forum on Economic Studies 2019.

- Jinping,Xi(2013) gaikuo zhongmei xinxing daguo guanxi: bu chogntu, bu duikang, xianghu zunzhong, hezuo gongying' ('Xi Jinping Describes the New Type of Great-power Relationship: No Conflict, No Confrontation, Mutual Respect, and Cooperation and Win-win'), 10 June, 2013, http://news.xinhuanet.com/world/2013-06/10/c_116107914.htm.
- Jiping,Guo(2019) 'Shishang benwu "Xiuxidide xianjing"' ('There Is No Thucydides's Trap on Earth'), *People's Daily*, 18 June, 2019, http://paper.people.com.cn/rmrb/html/2019-06/18/nw.D110000renmrb_20190618_5-01.htm
- Jisi,Wang (2003) 'Meiguo baquan de luoji' ('The Logic of American Hegemony'), *Meiguo yanjiu (American Studies)*, No. 3 (2003), pp. 7–30
- Jisi,Wang (2012) 'Xi jin, zhongguo diyuan zhanlue de "zai pingheng"' ('Going West, China's Geostrategic "Rebalancing"'), *Huanqiu shibao (Global Times)*, 17 October, 2012, <https://opinion.huanqiu.com/article/9CaKrJxoLS>.
- Kang,Jia(2018) 'Cong meizhong maoyizhan kan zhongguo "houlaijushang" xiandaihua zhanlue' ('Viewing China's Modernization Strategy from the China-US Trade War— Success for a Late-Starter'), *Difang Caizheng Yanjiu (Local Financial Studies)*, Vol. 161, No. 3 (2018), pp. 48–53.
- Khalid,asma(October 2, 2021) "Biden campaigned against the trade war with China, but ending it is complicated", <https://www.npr.org/2021/10/02/1042279005/biden-campaigned-against-the-trade-war-with-china-but-ending-it-is-complicated>
- Lampton, David (2015)'A Tipping Point in Sino-U.S. Relations Is upon Us', *US-China Perception Monitor*, 11 May, 2015, <https://www.uscnpm.org/blog/2015/05/11/a-tipping-point-in-u-s-china-relations-is-upon-us-part-i/>.
- Mearsheimer, John(2019) 'Structural Realism', Chapter 4, p. 82, accessed 6 June 2019, <https://mearsheimer.uchicago.edu/pdfs/StructuralRealism.pdf>.
- Panda, Jagannath (2019)'Does India Perceive China as a Revisionist Power', *PacNet Commentary* 79, accessed 8 December 2019, <https://www.pacforum.org/analysis/pacnet-79-does-india-perceive-china-revisionist-power>
- Peng, Yuan (2018)'Liyi shendu kunbang shi zhongmei guanxi de yida chenggong jingyan' ('Close Binding of Mutual Interests Are Key to Development of China-US Relations'), *The Paper*, 26 December, 2018, https://www.thepaper.cn/newsDetail_forward_2670504.
- Petras,James (2019), *China: Rise, Fall and Re-Emergence as a Global Power* ;

- Qi,Wang(2012)'China and the US not G2, but C2', 4 May, 2012, <http://english.sina.com/china/2012/0503/464519.html>.
- Qifan, Huang(2019)'Guoji maoyi geju yi fasheng genben bianhua' ('A Fundamental Change in International Trade Pattern'), 29 April, 2019, <http://finance.sina.com.cn/China/2019-04-29/doc-ihvhiqax5774439.shtml>.
- Qingguo,Jia(2018) 'Ruhe renshi dangqian de zhongmei guanxi' ('How to Understand the Current China-US Relations?'), *Dongya pinglun (East Asia Review)*, No. 1
- Qingjiang, Kong(2019)'Prospects for the Decoupling of China-US Economic and Trade Relations', *Institute of Public Policy, South China University of Technology*, 16 June, 2019, <http://www.ipp.org.cn/index.php/home/blog/single/id/392.html>.
- Qingsi,Li(2014) 'Telangpu duihua maoyizhan de yuanyin ji yingxiang' ('The Reasons and Impacts of Trump's Trade War against China'), *Xiandai guoji guanxi (Contemporary International Relations)*, No. 6
- Ruogu,Li(2018) 'Jiedu maoyi zhengduan beihou de zhongmei guanxi' ('Understanding China-US Relations Behind Trade Disputes'), *Jingji daokan (Economic Herald)*, Vol. 229, No. 7 (2018), pp. 40–1
- Ruogu,Li(2018) 'Understanding China-US Relations Behind Trade Disputes', *Jingji daokan (Economic Herald)*, Vol. 229, No. 7
- Schweller, Randall L. (1994) 'Bandwagoning for Profit: Bringing the Revisionist State Back In', *International Security* 19(1), accessed 2 January 2020, at https://www.jstor.org/stable/2539149?seq=6#metadata_info_tab_contents.
- Sheng,Zhong(2014) 'Zhongmei guanxi de yici "zhanlue zaiqueren"' ('A "Strategic Reassurance" in Sino-US Relations'), *Renmin ribao (People's Daily)*, 12 July, 2014, http://paper.people.com.cn/rmrb/html/2014-07/12/nw.D110000renmrb_20140712_5-03.htm.
- Summers,Tim(2016) 'China's "New Silk Roads": Sub-national Region and Networks of Global Political Economy', *Third World Quarterly*, Vol. 37, No. 9 (2016), pp. 1628–43;
- Swanson, Ana (July 5, 2018). "Trump's Trade War With China Is Officially Underway". *The New York Times*. Retrieved May 26, 2019. <https://www.nytimes.com/2018/07/05/business/china-us-trade-war-trump-tariffs.html>
- The Lessons of History, Global Research, October 10, 2019

- Tong ,Tong(2009) ‘Gaige kaifang zhong de meiguo yinsu’ (‘The US Factor in Reforms and Opening-up’), *Shijie zhishi (World Knowledge)*, No. 2 (2009), p. 15.
- Wang,Renmin (1987) ‘Zhao ziyang zai zhongguo gongchandang di shisan ci quanguo daibiao dahui shang de baogao’ (‘Zhao Ziyang’s Report at the 13th National Congress of the Communist Party of China’), 25 December, 1987, <http://cpc.people.com.cn/GB/64162/64168/64566/65447/4526368.html>.
- Wei, Li(2018)‘Zhongmei jingmaozhan? buying yiyahuanya’ (‘China-US Economic and Trade War: Improper Tit for Tat’), 12 March, 2018, <http://nads.ruc.edu.cn/displaynews.php?id=5639>.
- Womack, Brantly (2016) ‘Asymmetric Parity: Sino-U.S. Relations in a Multinodal World’, *International Affairs*, Vol. 92, No. 6 (2016), pp. 1464, 1466.
- Xiao, Ren (2015)‘A Reform-Minded Status Quo Power? China, the G20, and Reform of the International Financial System’, *Third World Quarterly* 36(11), <https://doi.org/10.1080/01436597.2015.1078232>
- Xuotong, Yan(2018) “‘False Friend” Destabilises Sino-U.S. Relations’, *Global Times*, 4 August, 2018, <http://world.people.com.cn/GB/12341344.html>. From then on, Yan kept emphasising his ‘superficial friend’ theory.
- Yang, Yao(2019) ‘Jingti zhongmei tuogou lun zhong de liyi qitu’ (‘Be Aware of the Interests behind the Decoupling between China and the United States’), *The Paper*, 14 August, 2019, <http://nsd.pku.edu.cn/sylm/gd/495979.htm>.
- Yifu Lin, Justin,(2019) Yifu Lin, ‘Zhongguo de xinshidai yu zhongmei maoyi zhengduan’ (‘China’s New Era and China–US Trade Dispute’), *Wuhan daxue xuebao (Journal of Wuhan University)*, Vol. 72, No. 2 .
- Yinhong,Shi(2015) ‘China’s Complicated Foreign Policy’, *European Council on Foreign Relations*, 31 March, 2015, http://www.ecfr.eu/article/commentary_chinas_complicated_foreign_policy311562.
- Youwen,Zhang(2018) ‘Zhongmei maoyizhan: Bushi shichang jingzheng ershi zhanlue jingzheng’ (‘Sino-US Trade War: A Strategic Competition Rather Than Market Competition’), *Nankai Xuebao (Nankai Journal)*, Vol. 263, No. 3
- Zarroli,Jim(2020)(Trump Launched A Trade War Against China. Don't Look To Biden To Reverse It,<https://www.npr.org/2020/11/18/935718860/trump-launched-a-trade-war-against-china-dont-look-to-biden-to-reverse-it>
- Zemin,Jiang(1992) zemin zai zhongguo gongchandang di shisi ci quanguo daibiao dahui shang de baogao’ (‘Jiang Zemin’s Report at

the 14th National Congress of the Communist Party of China'), 12 October, 1992, <http://cpc.people.com.cn/GB/64162/64168/64567/65446/4526308.html>.

- Zhao, Suisheng(2018) "A Revisionist Stakeholder: China and the Post-World War II World Order", *Journal of Contemporary China* ,Volume 27, Issue 113,Pp 643-658 <https://doi.org/10.1080/10670564.2018.1458029>
- Zhengfei,Ren(2019) gave an interview on 17 January, 2019, <http://www.nbd.com.cn/articles/2019-01-17/1292574.html>. On 21 May, 2019, at the China Media Roundtable held at Huawei's Shenzhen headquarters, Huawei founder Ren Zhengfei was interviewed by domestic media including *CCTV*, *People's Daily*, *Xinhua News Agency*, *Global Times*, *The Paper*, and *Guancha.cn*, https://www.guancha.cn/economy/2019_05_21_502541.shtml
- Zihong, Wang(2018) 'Tizhi rending yu jingmao jiufen: Meiguo duihua maoyizhan de yuanyin fenxi'('System Recognition and Economic and Trade Disputes: An Analysis of the Reasons for the US Trade War with China'), *Meiguo yanjiu* (The Chinese Journal of American Studies), Vol. 32, No. 5 (2018), pp. 49–65.